

اهداف و استراتژی شوروی در منطقه خلیج فارس و تنگه هرمز

قسمت هشتم



دکتر محمدرضا حافظ نیا

۳- با تمام وسائلی که به آن دسترسی باشد از توقف فزون و یا قواء مسلحه مملکت نالت دیگری در صورتی که احتمال ورود توقف فزونی مزبور باعث تهدید سرحدات و یا منافع و یا امنیت متعاهد معظم دیگر می شود باید در خاک خود و متحدین خود ممانعت نمایند.

فصل ششم:

«طرفین معظمین متعاهدین موافقت حاصل کردند که هرگاه ممالک نالتی بخواهند بوسیله دخالت مسلحه سیاست غاصبانه را در خاک ایران مجری دارند یا خاک ایران را مرکز حملات نظامی بر ضد روسیه قرار دهند و اگر ضمناً خطری سرحدات دولت جمهوری اتحادیه شوروی روسیه و یا متحدین آن را تهدید نماید و اگر حکومت ایران پس از اخطار دولت شوروی روسیه خودش نتواند این خطر را رفع نماید، دولت شوروی حق خواهد داشت فزون خود

فصل پنجم:

«طرفین معظمین متعاهدین تفیل می نمایند که:
۱- از ترکیب و یا توقف تشکیلات و یا دستجات (گروهها) به هر اسم که نامیده شوند و یا اشخاص منفرد که مقصود تشکیلات و اشخاص مزبوره مبارزه با ایران و روسیه و همچنین با ممالک متحده با روسیه باشد در خاک خود ممانعت نمایند و همچنین از گرفتن افراد فزونی و یا تجهیزات نفرات برای صفوف فزون و یا قواء مسلحه تشکیلات مزبوره در خاک خود ممانعت نمایند.
۲- به کلیه ممالک و یا تشکیلات قطع نظر از اسم آن تشکیلات که مقصودشان مبارزه با متعاهد معظمین باشد نباید اجازه داده شود که به خاک هر یک از طرفین معظمین متعاهدین نام آنچه را که ممکن است بر ضد متعاهد دیگر استعمال شود وارد نموده و یا عبور دهند.

را به خاک ایران وارد نماید تا اینکه برای دفاع از خود اقدامات لازمه نظامی را به عمل آورد و دولت شوروی روسیه متعهد است که پس از رفع خطر بلاد رنگ فزون خود را از حدود ایران خارج نماید». مفاد این عهدنامه بیانگر اهمیت موقع ایران بعنوان کشور ساحلی منطقه خلیج فارس در امنیت شوروی از دید آن کشور می باشد و به همین دلیل در شرایط بحرانی خلیج فارس مواضع رسمی دولت شوروی با نگرش امنیتی آن کشور به مرزهای جنوبی اش مطابقت دارد.

لازم به توضیح است که دولت ایران چه قبل از پیروزی انقلاب اسلامی و چه بعد از پیروزی انقلاب اسلامی، مفاد فصل پنج و شش عهدنامه را لغو شده اعلام نموده و در قبال آن تعهدی را متوجه خود نمی داند.

یکی از اهداف سیاسی شوروی در خلیج فارس کاهش اقتدار و حاکمیت و نفوذ امریکا و دولت های غربی بعنوان رقیب آن می باشد چرا که شوروی برای امنیت خود از ساحیه آنها احساس تهدید می نماید زیرا تهدید در سطح تماس دو قدرت بری و بحری یکطرفه نیست که فقط امریکا احساس خطر نماید بلکه شوروی نیز متقابلاً از سوی امریکا و حضور قدرت نظامی و اتمی آنها در اقیانوس هند و خلیج فارس احساس خطری کند، بنابراین در تلاش است تا از نفوذ امریکا و دول غربی در منطقه بکاهد و سیاست شوروی در مورد ایران با هدف جدائی گزینی آن از امریکا در درجه اول و متمایل کردن آن به سمت خود و درجه بعدی عمل می شود و بهبود و افزایش سطح متانبات سیاسی و اقتصادی بین ایران و شوروی کمک زیادی به نقطه نظرات شوروی و دورنگهداشتن رقیب از مجاورت مرزهای خود می نماید، بعلاوه اینکه شوروی پس از شروع برنامه اصلاحات گورباچف دیپلماسی فعالی را برای منطقه خلیج فارس پیش بینی و بمورد اجرا گذاشته و روابط سیاسی - اقتصادی خود را با تمامی آنها بهبود بخشیده است. هدف عمده دیگر شوروی هدف اقتصادی

است زیرا منطقه خلیج فارس بصورت یکی از قطب‌های مصرف کننده ثروتمند در جهان مطرح است و شوروی می‌تواند با جذب دلارهای نفتی از طریق فروش اسلحه و ماشین‌آلات و تولیدات صنعتی، بخشی از مشکلات اقتصادی داخلی خود را مرتفع نماید، همچنین نیاز احتمالی نفتی شوروی به منطقه خلیج فارس بصورت یکی از اهداف اقتصادی آینده شوروی مورد نظر می‌باشد.

استراتژی شوروی

شوروی برای حصول به اهداف استراتژیک و سیاسی و اقتصادی خود اقدام به اتخاذ استراتژی‌های نظامی، سیاسی و اقتصادی نموده است و در شرایط زمانی مختلف هر یک از آنها بصورت استراتژی مسلط مورد توجه قرار گرفته است.

در دوره استالین که تا سال ۱۹۵۳ ادامه یافت بر اتخاذ استراتژی نظامی تأکید می‌شد و هدف عمده استراتژی، دسترسی به سواحل خلیج فارس و عقب راندن رقیب از منطقه بود و اگر تقابل امریکا و دکترین ترومن وجود نمی‌داشت یقیناً استالین نقشه خود را برای تصرف ترکیه و ایران و گسترش نفوذ شوروی و کنترل قسمتی از منطقه خاورمیانه به اجرا می‌گذاشت، و با اینکه اگر استالین که در جستجوی کسب قدرت نظامی بود اگر در دوره حیاتش به سلاح اتمی و موازنه قدرت نظامی با امریکا دست می‌یافت احتمال زیادی وجود داشت که اقدام به اجرای طرح اشغال و تصرف سواحل شمالی خلیج فارس و تنگه هرمز می‌نمود. در دوره خروشچف (بین سال‌های ۶۴-۱۹۵۳ م) به تبع از سیاست کلی «دیپلماسی فعال» شوروی سعی بر نزدیکی سیاسی با کشورهای منطقه متجمله ایران نمود و در همین دوره عراق از پیمان بغداد خارج شد و روابط ایران و شوروی نیز بهبود یافت و شوروی در سال ۱۹۵۸ مقدمات انعقاد پیمان عدم تجاوز با ایران را فراهم نموده و آن را پیشنهاد کرد ولی ایران با

آمریکا اقدام به انعقاد پیمان دفاعی نمود که شوروی به استناد پیمان ۱۹۲۱ م، ایران را تهدید کرد که در صورت احساس خطر حق دارد برای حفظ امنیت خود دست به دخالت در ایران بزند و در سال ۱۹۶۱ نیز از ایران خواست که سنتورا ترک گوید. شوروی در این دوره بدنبال ایجاد اتحاد با کشورهای منطقه در قالب استراتژی کلی اش مبنی بر ایجاد یک اتحاد قدرتمند میان دنیای سوسیالیست و کشورهای جدید جهان مؤم علیه دشمنان مشترک خویش یعنی امپریالیسم غربی و قدرت باختری بود.

در دوره بعدی که از دوره حاکمیت برژنف و کاسیگین بر شوروی یعنی سال ۱۹۶۵ آغاز می‌شود این کشور با روشی آرام و با حوصله، استراتژی نفوذ تدریجی و پرورش هم پیمانان قوی را پیش گرفت که برای نمونه از نفوذ در عراق و یمن جنوبی در سال ۱۹۶۷ میتوان یاد کرد و حتی با ایران نیز روابط حسنه پیش گرفته شد و روابط سیاسی و دیپلماتیک شکل گرفته و ستیز مطبوعاتی پایان یافته و اسلحه و مهمات روسی برای ارتش ایران فرستاده شد. در این دوره زمینه‌سازی فرهنگی و ایدئولوژیک برای شوروی اساس کار بود و روسها از کمونیستها و طرفداران خود در کشورهای منطقه حمایت ایدئولوژیک و سیاسی و مالی می‌نمودند، ولی در کشورهای ساحلی خلیج فارس توفیقی بدست نیاوردند بطوریکه در کشورهای عربی تحت الحمايه انگلستان نه انقلابی رخ داد و نه شورشی بوقوع پیوست و تحرک چریکهای ظفار در عمان نیز با شکست روبرو شد.

در این دوره قرارداد پیمان دفاعی دو جانبه بین عراق و شوروی در سال ۱۹۷۲ به مدت ۱۵ سال امضاء شد که خودبخود برای دوره‌های پنجساله بعدی قابل تجدید بود و شوروی در سال ۱۹۷۳ یعنی یکسال بعد از قرارداد، ۷۴۲ میلیون دلار اسلحه به عراق فرستاد و در سال ۱۹۷۴ محموله‌های سنگین نظامی از جمله پیشرفته‌ترین هواپیماهای میگ ۲۳ و موشک‌های گوناگون به عراق تحویل داد و اقدام به احداث پایگاه

دریانی مدرنی درام القصر عراق در رأس خلیج فارس نمود. انعقاد پیمان دفاعی دو جانبه و تقویت نظامی عراق بعنوان هم پیمان شوروی درست زمانی صورت گرفت که امریکا نیز ایران را بعنوان ژاندارم خلیج فارس و قدرت منطقه‌ای نامزد کرده و تسلیم نمود. در واقع رقابت دو قدرت جهانی آمریکا و شوروی در قالب منطقه خلیج فارس و در شکل دولت‌های ایران و عراق تجلی یافت، تقویت نظامی و اقتدار و مدرنیزه شدن دو کشور در منطقه خلیج فارس، نتیجه رقابت دو قدرت جهانی بود که هر یک قهر خویش را در منطقه در مقابل دیگری تقویت می‌نمود.

در این دوره دو واقعه تجاوز نظامی شوروی به افغانستان، و پیروزی انقلاب اسلامی در ایران و سقوط شاه بعنوان ژاندارم و عنصر دست‌نشانده امریکا چهره ژئوپلیتیکی منطقه را تغییر داده و استراتژیهای دو قدرت نیز دچار تحول شد. امریکا استراتژی نظامی و طرح تشکیل نیروهای واکنش سریع را همراه با مکمل‌های سیاسی آن پیش گرفت و شوروی در سال ۱۹۸۰ با اعلان طرح پنج ماده‌ای برژنف مواضع جدیدی را در پاسخ به استراتژی امریکا و نیز جلب اعتماد کشورهای منطقه خلیج فارس اعلام داشت که از سوی امریکا و غرب رد شد. شورویها مجدداً در سال ۱۹۸۴ این طرح را برای منطقه خلیج فارس تکرار نمودند. مفاد طرح برژنف که در دهلی نو و بهنگام بازدیدش از هندوستان اعلام شد به این شرح است:

۱. عدم تاسیس پایگاه نظامی خارجی در منطقه خلیج فارس و جزایر مجاور آن و عدم استفاده از سلاح‌های هسته‌ای و یا هر نوع سلاح تخریبی دسته جمعی.
۲. عدم استفاده یا تهدید به استفاده از قوه فهرته علیه کشورهای خلیج فارس و عدم دخالت در امور داخلی آنها.
۳. احترام به عدم تعهد از سوی کشورهای خلیج فارس، عدم اتحاد آنها با بلوک‌های نظامی و قدرت‌های نظامی.

۴. احترام به حق حاکمیت کشورهای منطقه و به منابع طبیعی شان.

۵. احتراز از ایجاد مانع در خطوط ارتباط دریائی که کشورهای منطقه را با سایر دول مربوط می سازد. طرح برزنتف بدون در نظر گرفتن حضور شوروی در افغانستان و تقریباً با لحاظ کردن منافع امنیتی و استراتژیکی شوروی تهیه شده است که هدف عمده آن نفی حضور نظامی رقیب یعنی امریکا در منطقه بود و شالوده استراتژی جدید امریکا را در مقابله با سیمای جدید منطقه خلیج فارس تشکیل می داد.

یکی از استراتژیهای نظامی احتمالی دوره برزنتف در ارتباط با نفوذ به منطقه خلیج فارس را می توان حرکت گارتیسری شوروی در منطقه دانست. شوروی سالها بر روی ایران برای رسیدن به سواحل جنوب حساب می کرد ولی از آنجائی که شرایط جغرافیائی ایران و تجارب تاریخی ناکام ماندن روسها از گزینش این مسیر، مانع از انتخاب ایران برای رسیدن به سواحل خلیج فارس شد لذا همسایگان ایران برای این امر برگزیده شدند. بدین معنی که وجود عراق در رأس خلیج فارس و غرب ایران همراه با زمینه های ژئوپلیتیکی منطقه کردستان، و تجاوز نظامی به افغانستان و اشغال آن همراه با زمینه های ژئوپلیتیکی منطقه بلوچستان، امکانات مناسبی را برای تهاجم شوروی به جنوب و کنترل رأس خلیج فارس و دهانه آن یعنی تنگه هرمز فراهم می نمود.

تحول نگرشی و رفتاری که بعد از حاکمیت گورباچف در شوروی بوجود آمد، سیاست خارجی و استراتژی آن کشور را در ارتباط با منطقه خلیج فارس تغییر داد، در واقع سیاست جدید گورباچف در زمینه اقتصادی (پروسترویکا) و سیاسی (گلاسنوت) که شوروی و جهان شرق را متحول نمود در نگرش شوروی به منطقه خلیج فارس و رفتار آن کشور نسبت به منطقه تأثیر گذاشت. دولت شوروی استراتژی مسالمت و سازش با کشورهای منطقه را برگزید و براساس نگرش جدید کشورهای

منطقه نسبت به شوروی، این کشور روابط سیاسی و اقتصادی خود را به سرعت با کشورهای حوزه خلیج فارس تنظیم و توسعه داد و هیأت های سیاسی شوروی اقدام به دیدار از منطقه نمودند، زیرا این کشورها بعد از اصلاحات گورباچف به شوروی بعنوان کشور کمونیست نگاه نمی کردند. شوروی در توجیه گسترش روابط خود با کشورهای منطقه خاورمیانه به ژئوپلیتیک متوسل شده و مشترکات خود با آنها را مطرح و برجسته نمود تا عامل نزدیکی و شکل گیری پیوندهای سیاسی و اقتصادی مشترک بین آنها بشود. شوارد نادره وزیر امور خارجه شوروی گفت:

«ما با خاورمیانه مشترکات جغرافیائی، تاریخی و سیاسی داریم و به آنها نزدیک خواهیم شد.»

معاون وزیر امور خارجه شوروی بهنگام دیدار خود از کشورهای کویت، عمان، امارات و عراق گفت:

«شوروی با شورای همکاری خلیج در چندین مسئله بین المللی نقطه نظر مشترک دارد، صلح سلاح، تقویت صلح، جنگ ایران و عراق.»

شوروی پس از اصلاحات جدید اولاً با زدودن زمینه های بدبینی کشورهای منطقه به آن

به عنوان کشور کمونیستی و تجاوز طلب، زمینه های اعتماد بخود را در کشورهای ساحلی

خلیج فارس بوجود می آورد، ثانیاً با گسترش سریع روابط تجاری و اقتصادی لذا امکان بازار مصرف منطقه خلیج فارس استفاده می نماید، ثالثاً بنظر می رسد با گسترش روابط اقتصادی و سیاسی و اتگشت گذاشتن بر روی نیازهای کشورهای منطقه امکان حضور فعال تر خود را فراهم آورده و خواهان نقش جدید و مؤثری در منطقه خلیج فارس و به تبع آن در مسائل جهان میباشد، سفیر شوروی در کویت در سال ۱۹۸۶ گفت:

«شوروی (در منطقه) نه حضور نظامی خواهد داشت و نه حضور نظامی دیگران را تأیید می نماید، روسیه علاقمند به اجتناب نیروهای خارجی از حضور در منطقه بوده و در صورت انجام این امر از

سوی آنها، شوروی نیز اقدام به عقب نشینی خواهد نمود و شوروی از کشورهای شورای همکاری خلیج فارس در صورتیکه بخواهند سیستم دفاعی داشته باشند حمایت خواهد کرد.»

شوروی در سال ۱۹۸۷ به درخواست کویت مبنی بر تأمین امنیت نفتکشهایش در خلیج فارس پاسخ مثبت داد و در مارس ۱۹۸۷ سه نفتکش به کویت اجاره داد و این اولین نقش امنیتی بود که شوروی در دوران گورباچف در خلیج فارس بازی می کرد که بعداً بر اثر حضور و آمادگی امریکا برای اسکورت کشتی های کویتی و ایجاد حادثه انفجار مین برای کشتی های روسی، عملاً حوزه نفوذ شوروی محدود شد. در جریان بحران تهاجم عراق به کویت نیز اگرچه دولت شوروی مواضع محتاطانه ای پیش گرفت و راه حل نظامی را رد کرده و راه حل سیاسی و مسالمت آمیز را تبلیغ و تأیید می کرد ولی آمادگی خود را برای به عهده گرفتن نقش امنیتی در چهارچوب سیاست های سازمان ملل اعلام داشته و حتی اقدام به اعزام هواپیماهای غول پیکر خود جهت ارسال تدارکات برای سربازان سوری مستقر در عربستان نمود. البته حضور نظامی شوروی در خلیج فارس در شرایط کنونی توجیه دیگری نیز دارد و آن مراقبت از نیروهای امریکائی و غربی در ارتباط با تهدید امنیتی شوروی است.

شوارد نادره اعلام داشت که مسکو در خلیج فارس به زور متوسل نخواهد شد و تنها به تحریم علیه عراق بسنده خواهد کرد و شرکت شوروی را در محاصره دریائی عراق به تشکیل نیروی بین المللی و زیر نظر سازمان ملل متحد مشروط دانست.

شوروی با حضور نظامی دولت های غرب در منطقه مخالف است و آن را خطری برای امنیت خود تلقی می کند و لذا سیاست خود را بر نفی حضور نیروهای خارجی مشخصاً امریکا قرار داده و با اتخاذ مشی مورد پسند کشورهای منطقه سعی بر نفوذ سیاسی خود نیز دارد. دولت شوروی مدعی است که باید صلح پایدار فراهم شده و در

منطقه ثبات و همکاری فی ما بین کشورها حاکم شود.

شوروی از سال ۱۹۸۵ روابط اقتصادی خود با عربستان را گسترش داده و در ژانویه ۱۹۸۹، سعود الفیصل وزیر خارجه عربستان در رأس هیئتی از شورای همکاری خلیج فارس بطور نمایشی از شوروی دیدار بعمل آورد و یک ماه پس از آن ولادیمیر پولیاکوف فرستاده شوروی که حامل پیامی از سوی گورباچف بود به ریاض سفر کرد و این اولین دیدار رسمی یک مقام روسی از عربستان بود. شوروی با توجه به اهمیت نقش عربستان برای نفوذ در منطقه خلیج فارس از عنصر مذهب برای جلب نظر و اعتماد حکام آن کشور استفاده نمود و اجازه داد که در شهر الیانسک در جمهوری فدراتیو روسیه، مسجدی با پرداخت بیست هزار دلار از سوی آل سعود ساخته شده و به نام فهید نامگذاری شود و پس از آن نیز وهابی های سعودی اجازه تبلیغات وسیعی را برای نفوذ در مراکز و مجامع اسلامی شوروی پیدا کردند. در کنار این روند بود که بحران مزبور عراق به کویت و مواضع شوروی در بحران مزبور باعث نزدیکی بیشتر دو کشور شد و بالاخره روابط دیپلماتیک بین دو کشور پس از نیم قرن برقرار گردید و وزیر خارجه عربستان با گورباچف رهبر شوروی دیدار نموده و وزرای خارجه هر دو کشور بر خروج بی قید و شرط عراق از کویت و اجرای قطعنامه های شورای امنیت تأکید نمودند. شورویها عواصم پرداخت وام و سرمایه گذاری سعودی ها در آن کشور بوده و عربستان مبلغ ۴ میلیارد دلار وام در اختیار شوروی قرار داده و مقدمات سفر سران شوروی و عربستان از کشورهای یکدیگر نیز فراهم می گردد.

شوروی روابط دیپلماتیک و تجاری خود را با کشورهای دیگر خلیج فارس نیز توسعه داد، دیدار رئیس مجلس شورای اسلامی ایران از شوروی و دیدار با گورباچف و رفت و آمدهای هیأت های اقتصادی و سیاسی بین دو کشور و امضاء قراردادها و موافقت نامه های اقتصادی و

ارتباطی و نظامی و فروش هواپیماهای پیشرفته مینگ به ایران در سال ۱۹۹۰ بخشی از استراتژی عادی سازی روابط شوروی با ایران بعنوان کشور قدرتمند شمال خلیج فارس است.

شوروی در سال ۱۹۸۸ روابط دیپلماتیک خود را در سطح سفیر با قطر و بمنظور توسعه همکاری های بین المللی و کمک به صلح جهانی برقرار نمود. در همین سال شوروی مذاکرات رسمی خود را با بحرین انجام داد و امیر بحرین با سفیر شوروی در کویت برای گسترش روابط دو جانبه ملاقات کرد. کشورهای بحرین و قطر جزو آخرین کشورهای خلیج فارس بودند که با شوروی روابط تجاری و سیاسی برقرار نمودند.

شوروی با کویت و امارات و عمان نیز روابط تجاری صنعتی و اقتصادی برقرار نمود، یکی از زمینه های شکل گیری این مناسبات مشارکت شوروی در صنایع نفت و در اختیار گذاشتن تکنولوژی مربوطه بود بعلاوه اینکه در سال ۱۹۸۸ و در روز پس از ونوی لایحه فروش موشک امریکائی به کویت از سوی سنای امریکا، مذاکرات فروش اسلحه از سوی شوروی انجام و قرار داد مربوطه بین وزیر روابط اقتصادی خارجی شوروی و نخست وزیر کویت با امضاء رسید. شوروی همچنین زمینه های لازم را برای سرمایه گذاری کویت در شوروی فراهم نمود و کویت نیز به شوروی پیشنهاد ۳۰۰ میلیون دلار تسهیلات اعتباری داد و دو کشور موافقتنامه هایی در زمینه صنایع نفت گسار با امضاء رسانده و در مورد تأسیس کمپانی مشترک حمل و نقل کویت و شوروی و تبدیل کویت بعنوان یکی از مراکز فروش کامیونهای «لادا» در منطقه مذاکراتی را انجام داده اند.

شوروی روابط اقتصادی خود را با امارات متحده عربی در زمینه همکاریهای نفتی و فروش لوازم مورد نیاز مانند کولر گازی و شیشه و غیره و همچنین تأسیس کارخانجات صنعتی گسترش می دهد. در اوایلین اقدام دو کشور تصمیم به تأسیس کمپانی توسعه تجارت شوروی و امارات

در دومی بعنوان بندر آزاد منطقه خلیج فارس گرفتند. هدف کمپانی مزبور توسعه تجارت ماشین های «لادا» ساخت شوروی و تولیدات کشاورزی و مواد غذایی و شیمیائی و ساختمانی و نیز توسعه صنایع سبک و تولید کاغذ و مواد فلزی و یخچال و ایبرکاندیشن یا کولر گازی می باشد، بعلاوه اینکه همکاریهای دو کشور در زمینه های خدمات اجتماعی پزشکی و دارویی و ساخت بیمارستان نیز گسترش خواهد یافت. سفیر شوروی در امارات متحده عربی بنام «فلیکس فدوتف» گفت:

«شوروی اهمیت دومی را بعنوان دروازه تجارت با بازارهای خاورمیانه درک می کند و از دومی بعنوان پایگاه پرش به خاورمیانه استفاده می نماید».

در مورد کشور عراق جای بحث وجود ندارد چرا که عراق یکی از هم پیمانان دیرینه شوروی در حوزه خلیج فارس است و ساخت نظامی و سیاسی آن تحت تأثیر شوروی قرار دارد.

تحركات سیاسی و اقتصادی شوروی در خلیج فارس بعد از استقرار دوره حاکمیت گورباچف گسترش یافته است. شوروی از قبیل توسعه این روابط شالوده پیوندهای اقتصادی و سیاسی را تدارک می بیند تا بتواند در کوتاه مدت و بلند مدت از نقش کارآ و مؤثر در منطقه برخوردار شود. استراتژی جدید شوروی، اسلحه تبلیغات منفی و ایجاد ترس در کشورهای منطقه از سوی امریکا را از دستش گرفته و برعکس زمینه های اعتماد را بوجود می آورد. این استراتژی ضمن برخورداری شوروی از منافع اقتصادی ناشی از مبادلات تجاری کالا و خدمات و تکنولوژی، پایه های نفوذ شوروی را در منطقه تحکیم نموده و فرصت الحاق و اتکای این کشورها را به شوروی فراهم می نماید. بدین ترتیب شوروی ضمن بدست آوردن موقعیت برتر برای به عهده گرفتن نقش های منطقه ای و بین المللی در خلیج فارس خواهد توانست اولاً حضور و نفوذ اقتصادی و سیاسی و نظامی غرب را در منطقه کاهش دهد، ثانیاً حرکت ها و

توجه انسان به خداوند داشته و به عنوان گام نخست در تقرب به خدا و حرکت به سوی کمال بهمان نسبت دوری از انحطاط گناه و رذائل اخلاقی را در پی داشته و تکرار آن حداقل پنج بار در شبانه روز اثر فراگیری را در کل زندگی روزمره می‌گذارد...

تکبیر، قرائت و ذکر و...

تکبیر و قرائت که مشتمل به حمد و سوره در رکعت اول و دوم و

تسبیحات اربعه یا سوره حمد در رکعت سوم و چهارم، و همچنین اذکار در رکوع و سجود و تشهد و سلام که واجب است به همان صورت عربی و به طور صحیح خوانده شود مستلزم آن است که هر مسلمانی در هر کجای دنیا و بهر زبانی که تکلم می‌کند و اگر چه بی سواد باشد حداقل زبان عربی که زبان قرآن و معارف اسلامی است، آشنا شده و بدین وسیله نموداری از همصدایی و همدلی امت واحده جهانی تحقق می‌یابد و بندهی است که در مراتب کامله مستلزم درک معانی و مفاهیم بلند و بی‌کرانه خواندنیهای نماز است، این دستاورد نیز به مرتبه‌ای کاملتر تحقق می‌یابد.

ادامه دارد

بقیه از اصلاح سفارتخانه‌ها

دارند»^۶

«اگر بنا باشد که سفارتخانه‌های ما در خارج از کشور به همان وضع طاغونی یا نزدیک به وضع طاغونی باشند، معنایش اینست که باز اسلام در سفارتخانه‌ها نرفته است. مع الأسف تا آنجا که به من در طول این مدت اطلاع دادند - که اخیراً را درست نمی‌دانم - سفارتخانه‌های ما، سفارتخانه‌های اسلامی که باید باشد نیست، چه در مکان‌ها و چه در کیفیت مستخدمینی که آنجا هستند و خصوصاً مستخدمین زن، و چه در سایر جهانی که هست، باز احساس درست نشده است که جمهوری اسلامی یعنی چه.

بعضی از سفرایی که پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم به دربار سلاطین بزرگ آن وقت فرستاده بودند اینها وقتی وارد شدند با شمشیر خودشان آن پارچه‌ای که حریر بود زدند کنار. این، شکستن آن دماغ فرعون سلاطین آن زمان بود»^۷

«مع الأسف باید بگوئیم که از اول نهضت تا

بقیه از اهداف و استراتژی شوروی...

تلاشهای استراتژیکی را که با امنیت مرزهای جنوبی آن متعارض باشد کنترل نماید. ثالثاً خود را بعنوان تکیه‌گاه کشورهای منطقه از حیث نیازهای اقتصادی و تکنولوژیکی و امنیتی و دفاعی معرفی نموده و بی‌نیازی آنها را به غرب و امریکا بسوزاند، رابعاً از مزایای اقتصادی ارتباط با حوزه شرومنند خلیج فارس و تضمین دسترسی به نفت آن در آینده برای تأمین نیاز خود بهره‌مند

بحال، تبلیغاتمان در خارج، صفر بوده است و فقط در داخل مسائل را برای یکدیگر گفته‌ایم. می‌دانید که هر روز در خارج، دولت و ملت ایران را وحشی معرفی می‌کنند. البته آنها که بر ضد ما تبلیغات می‌کنند خود متوجهند که ما چگونه نیستیم. ولی آنها همه چیز خودشان را از دست داده‌اند، باید ما را وحشی قلمداد کنند، ولی متأسفانه برای کسانی تبلیغ می‌کنند که هیچ نمی‌دانند. ما هم که به فکر چاره نیستیم و سفارتخانه‌هایمان هم کاری انجام نداده‌اند و با وضعی که دارند کاری هم نمی‌توانند انجام

شود. خامساً زمینه‌های تدارک نیازهای استراتژیکی از قبیل تأسیس پایگاه دریائی و تحرک بیشتر ناوهای خود را برای مقابله با قدرت رقیب و زیردریائی‌های اتمی آن که شوروی را تهدید می‌کند فراهم نماید. سادساً با کسب نفوذ لازم و موقعیت برتر در منطقه و تغییر موازنه قدرت به نفع خود امکان بکارگیری سلاح نفث خلیج فارس برای اعمال فشار بر قدرتهای جهانی رقیب را بوجود آورد.

ادامه دارد

دهند»^۸

ادامه دارد

- ۱- پیام امام به روحانیون. ۶۷/۱۲/۳.
- ۲- برگرفته از پاسخ ۶۶/۱۰/۱۶ امام به نامه رئیس جمهور.
- ۳- پیام امام به روحانیون. ۶۷/۱۲/۳.
- ۴- پیام امام به مجمع بزرگ فرماندهان سپاه.
- ۵- پاسخ امام به نامه دکتر ولایتی. ۶۷/۱/۲۰.
- ۶- ۵۸/۳/۲۲.
- ۷- صحیفه نور، جلد ۱۳ - صفحه ۲۶۰.
- ۸- ۶۰/۸/۲۴.

نشانه تکبر

امام صادق علیه السلام:

«الْكِبْرُ أَنْ يَغِيصَ النَّاسَ وَسُقَّةَ الْحَقِّ».

(معانی الاخبار، ص ۲۴۲)

کبر عبارت از این است که آدمی، مردم را با دیده پستی و حقارت نگاه کند و حق را خوار و ناچیز بشمرد و آن را بر وفق واقع نبیند.